

بررسی و برآورد وضعیت معیشت بازنشستگان نیروهای مسلح در افق ۱۴۰۴

دکتر محسن رسولیان^۱

چکیده

هدف از انجام این تحقیق مطالعه وضعیت معیشتی بازنشستگان ن.م، مقایسه وضعیت معیشتی بازنشستگان ن.م با خط کم‌توانی مالی، تخمین و برآورد خط کم‌توانی مالی و درآمد بازنشستگان ن.م در افق ۱۴۰۴ می‌باشد. جامعه هدف این تحقیق از سه گروه وظیفه‌بگیران، مستمری‌بگیران و بازنشستگان ن.م و شامل ۷۵۶۸۴۱ نفر که خود دربرگیرنده ۱۱۱۶۰۴ نفر وظیفه‌بگیر، ۵۰۲۲۷۹ نفر بازنشسته و ۱۴۲۹۵۸ نفر مستمری‌بگیر می‌باشد. مواد و داده‌های مورد نیاز این پژوهش در حوزه نظری با استفاده از نظریه‌های مرتبط با معیشت و سطح زندگی و در حوزه میدانی با استفاده از اطلاعات مستند خروجی از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و همچنین گردآوری داده‌های میدانی حقیقی مربوط به جامعه بازنشستگان نیروهای مسلح انجام پذیرفته است. در این تحقیق وضعیت مستمری بازنشستگان ن.م به هفت گروه تقسیم شده و میزان رشد آن تا سال ۱۴۰۴ بر اساس همین روال جاری کشور تخمین زده شد. در انتها مقایسه‌هایی بین خط کم‌توانی مالی و وضعیت درآمدی بازنشستگان ن.م تا سال ۱۴۰۴ برای هر یک از گروه‌ها انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در صورت استمرار وضع موجود، گروه‌های اول تا چهارم از بازنشستگان که حدود ۹۰ درصد بازنشستگان را تشکیل می‌دهند، از توانمندی مالی مناسبی در قیاس با هزینه‌های زندگی برخوردار نخواهند بود.

واژه‌های کلیدی: کم‌توانی مالی، خط فقر، درآمد، معیشت، بازنشستگان نیروهای مسلح

مقدمه

فقر (که سعی می‌شود تا حد ممکن در این مقاله تحت عنوان «کم‌توانی مالی» از آن نام برده شود) پدیده‌ای چندبعدی است؛ از این رو ارائه یک تعریف جامع و دقیق از آن کار ساده‌ای نیست. از دهه ۱۹۹۰ بانک جهانی و سازمان ملل متحد تلاش‌هایی در جهت رسیدن به اجماع در ارتباط با مفهوم کم‌توانی مالی و راهبردهای کاهش کم‌توانی مالی آغاز کرده‌اند که نتایج آن را می‌توان در گزارش‌هایی که به عنوان راهنما منتشر شده، مشاهده نمود. سازمان ملل متحد مفهوم کم‌توانی مالی را از چهار منظر رویکرد پولی، رویکرد توانمندی، رویکرد محرومیت اجتماعی و رویکرد مشارکتی مورد توجه و بررسی قرار داده است. رویکرد پولی معمول‌ترین روش برای تعریف و اندازه‌گیری کم‌توانی مالی است.

در ادبیات موضوع مرتبط با خط فقر محرومیت از رفاه تعریف شده است. خط فقر عبارت است از میزان مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقلی از رفاه متحمل می‌شود (مارتین راولیون^۱، ۱۹۹۶). افرادی که به این سطح حداقلی دسترسی ندارند، به عنوان افراد فقیر شناخته می‌شوند. مسئله مهم در تعیین این خط، راهکارهای برآورد سطح حداقل رفاه و میزان مخارجی است که جهت دستیابی به این سطح مورد نیاز است. لذا با توجه به روش‌های متفاوتی که جهت تعیین سطح حداقل رفاه و مخارج لازم برای دستیابی به آن اتخاذ می‌شود، رویکردهای متفاوتی در تعیین خط کم‌توانی مالی و به تبع آن برآورد خط کم‌توانی مالی‌های متفاوت شایع است.

در اقتصاد، رفاه برحسب مطلوبیت مشخص می‌شود و تابع مطلوبیت بر اساس مصرف کالاها و خدمات تعریف می‌شود. در واقع این تابع مطلوبیت، ترجیحات افراد را نسبت به سبدهای مختلف کالاها و خدمات مشخص می‌کند. با توجه به این مطلب در تعاریف مربوط به کم‌توانی مالی، فقیر به کسی اطلاق می‌شود که درآمد یا مصرف وی برای تأمین حداقل نیازهای اساسی کفایت نکند. خط کم‌توانی مالی نیز بر اساس کفایت توانایی مالی در به دست آوردن حداقل استاندارد زندگی تعیین می‌شود. هر فردی که درآمدش (هزینه‌هایش) کمتر از خط کم‌توانی مالی باشد، به عنوان فرد فقیر شناخته می‌شود.

در واقع مسئله شناسایی کم‌توانان مالی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در هر اقتصاد می‌باید مورد توجه قرار گیرد. شناسایی تک تک گروه‌های فقیر و نظارت دائمی بر وضعیت آنها تقریباً غیرممکن است؛ زیرا هزینه‌های این نظارت دائمی فراتر از کل منافعی که نظام حمایتی منتقل می‌کند، خواهد بود. بر این اساس به جای شناسایی فقیرها بهتر آن است که خصوصیات اجتماعی و اقتصادی فقیرها شناسایی شوند. برای مثال سن، جنسی، شغلی، منطقه جغرافیایی، میزان تحصیلات، بعد خانوار، بخش اقتصادی فعالیت سرپرست خانوار فقیر و سایر خصوصیات فقیرها را می‌توان شناسایی نمود تا بر اساس این یافته‌ها امکان هدفمند نمودن حمایت فراهم آید.

شناخت خصوصیات اجتماعی و اقتصادی کم‌توانان مالی خود در گرو محاسبه خط کم‌توانی مالی است تا بر اساس آن خانوارهای فقیر را بتوان از خانوارهای غیر فقیر جدا نمود تا پس از آن مطالعه بر روی خصوصیات فقیرها امکان‌پذیر شود. خط کم‌توانی مالی نیز برحسب مفهومی که از کم‌توانی مالی در ذهن داریم، به روش‌های مختلف قابل اندازه‌گیری است: کم‌توانی مالی نسبی، کم‌توانی مالی مطلق و کم‌توانی مالی ذهنی، برای هر یک از مفاهیم سه‌گانه کم‌توانی مالی روش‌های متعددی برای اندازه‌گیری کم‌توانی مالی وجود دارد.

مسئله اصلی ما در این تحقیق مبتنی بر نظرسنجی‌هایی از است که از سامانه ارتباط با مشتریان سازمان تأمین اجتماعی ن.م استخراج شده است. بر مبنای نظرسنجی انجام شده در سال ۱۳۹۵ بالاترین مراجعات به سامانه‌های نظرسنجی سازمان گلایه و شکایت‌هایی است که بازنشستگان محترم ن.م نسبت به کمبود دریافته‌های خود برای تأمین حداقل نیازهای زندگی داشته‌اند. به طور طبیعی این سؤال مطرح می‌شود که آیا این نظرها حاصل ذهنیت‌های نادرست است یا واقعیت‌های جامعه. لذا مقرر شد در این خصوص تحقیق انجام شود تا مشخص گردد حداقل توانمندی‌های مالی برای پوشش هزینه‌های زندگی چقدر است و وضعیت بازنشستگان نیروهای مسلح در پاسخگویی به مخارج زندگی چگونه است و روند دو جریان فوق طی مهر و موم‌های آتی چگونه خواهد بود؟

اهداف

اهداف این مطالعه عبارت‌اند از: بررسی ادبیات موضوعی و مبانی نظری تحقیق، برآورد خط کم‌توانی مالی در جوامع شهری بر پایه: نیاز به کالری، خط کم‌توانی مالی معکوس ضریب انگل، مقایسه وضعیت معیشتی بازنشستگان ن.م با خط کم‌توانی مالی و تخمین و برآورد خط

کم‌توانی مالی و درآمد بازنشستگان ن.م در افق ۱۴۰۴ و مقایسه آنها. هدف اصلی این مطالعه تخمین خط کم‌توانی مالی در سال‌های منتهی به افق سال ۱۴۰۴ و همچنین تخمین میزان افزایش درآمد بازنشستگان ن.م بر اساس آمار دقیق اخذ شده از سازمان بازنشستگی ن.م است که بتوان پیش‌بینی وضعیت معیشتی این بازنشستگان در سال‌های آتی را امکان‌پذیر نمود.

سؤالات تحقیق

۱. تعریف کم‌توانی مالی در ادبیات مرتبط چیست؟
۲. انواع روش‌های برآورد کم‌توانی مالی کدامند و چگونه محاسبه می‌گردند؟
۳. روند هزینه و درآمد خانواده به‌صورت سالیانه و ماهیانه چقدر است؟
۴. وضعیت معیشتی بازنشستگان ن.م نسبت به خط کم‌توانی مالی چگونه است؟
۵. روند وضعیت معیشت بازنشستگان ن.م نسبت به خط کم‌توانی مالی تا سال ۱۴۰۴ چگونه خواهد بود؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

مسئله تعیین خط کم‌توانی مالی در اقتصاد همواره از مهم‌ترین شاخص‌ها و اطلاعات مورد نیاز برنامه ریزان و سیاست‌گذاران بوده‌اند. به شکل ویژه در طی سالیان اخیر با مطرح شدن بحث هدفمندی یارانه‌ها و نیاز به بررسی وضعیت اقتصادی جامعه، همچنین نیاز به تعیین میزان حمایت از خانوارهای نیازمند نیاز به در اختیار بودن این شاخص‌ها بیشتر احساس می‌شود. این‌که خط کم‌توانی مالی چه میزانی است تعیین می‌کند که چند درصد از افراد و خانوارهای حاضر در بازنشستگان ن.م زیر خط کم‌توانی مالی و چند درصد بالای خط کم‌توانی مالی هستند. لذا اطلاع از وضعیت شاخص و خط کم‌توانی مالی خصوصاً در شرایط کنونی بسیار مهم و حیاتی است. کم‌توانی مالی که نمودی از توسعه‌نیافتگی است، مشکلات مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می‌آورد. گام اول در طراحی و اجرای برنامه‌های مبارزه با کم‌توانی مالی، بررسی وضعیت موجود کم‌توانی مالی است. در همین راستا محاسبه خط کم‌توانی مالی و برآورد میزان و شدت وقوع کم‌توانی مالی می‌تواند اطلاعات مفیدی را در این زمینه فراهم آورد.

همواره بازنشستگان ن.م از وضعیت زندگی خود گلایه‌مند هستند؛ در حالی که هر ساله مقداری منطبق با درصد تورم به میزان مستمری بازنشستگان ن.م اضافه می‌گردد و این مستمری معمولاً ۲۰ درصد بیش از سایر اقشار تنظیم شده است. سؤال این است که آیا واقعاً

این نارضایتی یک نوع احساس نابعاست و یا در قیاس با شاخص حداقل سطح زندگی و خط کم‌توانی مالی، احساسی درست و صحیح است؟ اگر فاصله‌ای بین سطح درآمد ثابت بازنشستگان از محل حقوق با خط کم‌توانی مالی وجود دارد، چقدر است و چند درصد این جامعه بالای خط کم‌توانی مالی و چند درصد پایین خط کم‌توانی مالی قرار دارند؟ چه رویکردی را می‌توان اتخاذ نمود تا ن.م از خط کم‌توانی مالی فاصله مثبت بگیرند؟

روش‌شناسی تحقیق و معرفی داده‌ها

روش تحلیل در این مطالعه از نوع تحلیلی و توصیفی و کتابخانه‌ای است. در بخش مربوط به مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش برآورد خط کم‌توانی مالی و شاخص‌های کم‌توانی مالی و نابرابری از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است. در ادامه به جزئیات روش و معرفی داده‌ها پرداخته خواهد شد.

در این مطالعه برای برآورد خط کم‌توانی مالی از رویکرد نیازهای اساسی استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا هزینه حداقل نیازهای غذایی تخمین زده شده سپس هزینه مواد غذایی مورد نیاز به‌عنوان پایه برای محاسبه خط کم‌توانی مالی برحسب درآمد در نظر گرفته شده است. برای محاسبه هزینه مواد غذایی معمولاً میزان کالری مورد نیاز برای حفظ کارایی فیزیکی تخمین زده می‌شود. در این مطالعه با لحاظ نمودن متغیرهای سن، جنسی و قد برای در نظر گرفتن تفاوت نیازهای انرژی افراد و همچنین نظر متخصصان، انرژی توصیه شده متوسط ۲۳۰۰ کالری به‌عنوان حداکثر انرژی مورد نیاز برای تخمین خط کم‌توانی مالی مورد استفاده قرار گرفته شده است.

برای به دست آوردن خط کم‌توانی مالی برحسب معکوس ضریب انگل کافی است هزینه مواد غذایی را در معکوس ضریب انگل ضرب نمود. ارشانسکی^۱ از این روش برای ساختن خط

1. Orshansky, M.

اگر کسی قادر به فراهم کردن نیازهای مادی اساسی خود مانند خوراک، پوشاک و بهداشت نباشد فقیر شمرده می‌شود. در این روش هزینه لازم جهت تأمین «حداقل مواد غذایی ضروری» که از نظر متخصصان بهداشت و تغذیه ضروری است محاسبه می‌شود. در ایران حداقل انرژی مورد نیاز فرد ۲۲۱۰ کالری در روز است. حال اگر انرژی کسب‌شده به‌وسیله مواد غذایی استفاده شده روزانه فرد کمتر از این مقدار باشد فرد فقیر شناخته است. این روش منسوب به ارشانسکی (Orshansky Method) است؛

فقر برای اداره تأمین اجتماعی آمریکا استفاده نموده است. با توجه به این که در ایالات متحده به طور متوسط یک سوم درآمد، صرف مواد غذایی می شود، او هزینه مواد غذایی را در عدد ۳ ضرب نمود و خط کم توانی مالی را بر حسب درآمد (کل هزینه ها) محاسبه کرد (ارشدی، کریمی، ۱۳۹۲، صص ۹۳ - ۴۶).

در این حالت خط فقر به شدت متأثر از مقدار ضریب انگل^۱ است. در مطالعات مختلف ارقام متفاوتی برای این ضریب به دست می آید. برای مثال ارشانسکی در مطالعات و بررسی های مختلف ارقام ۲۷/۰ و ۳۳/۰ را برای این ضریب به دست آورد. برای سال های ۶۳ تا ۸۲ نیز در پژوهشکده آمار این ضریب برای ایران برآورد گردیده است (خداداد کاشی، شمسی، ۱۳۹۱). مزیت این روش در این است که نیازی به انتخاب سایر نیازها و تعیین مقدار ثابتی از آنها نیست. با افزایش سطح زندگی بخشی از درآمد که صرف مواد غذایی می شود کاهش می یابد و بنابراین ضریب مخارج غذایی افزایش می یابد. خط فقر که از این روش به دست می آید تا حدی دارای یک مفهوم نسبی است زیرا در این حالت دائماً خط کم توانی مالی می یابد بر حسب تغییرات ضریب انگل تعدیل شود.

جامعه هدف

جامعه هدف ما دربرگیرنده سه دسته وظیفه بگیران، مستمری بگیران و بازنشستگان کل ن.م می باشد. این جامعه ترکیبی از ۷۵۶۸۴۱ نفر شامل ۱۱۱۶۰۴ نفر وظیفه بگیر، ۵۰۲۲۷۹ نفر بازنشسته و ۱۴۲۹۵۸ نفر مستمری بگیران است که بر اساس طبقه های درآمدی این جمعیت به هفت طبقه تقسیم گردید. مطابق اطلاعات موجود در سازمان بازنشستگی ن.م در سال ۱۳۹۴ جمعیت تحت پوشش طبقه اول ۳/۶ درصد، طبقه دوم ۳۵ درصد، طبقه سوم ۳۴ درصد، طبقه

1. Engle, R. F.

رابرت فرای انگل (زاده ۱۰ نوامبر ۱۹۴۲) اقتصاددان اهل آمریکا و به همراه کلیو گرینجر برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۳ می باشد. رویکرد نسبت غذا یا معکوس ضریب انگل رویکردی است که بر اساس آن همواره یک نسبت ثابتی غذا بین مخارج خوراکی و درآمد برقرار است. در این روش با توجه به تابع مصرف انگل در جامعه، اندازه مشخص و معمولی را برای نسبت هزینه غذا به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی در نظر می گیرند و نسبت هزینه غذا به درآمد هر یک از افراد را با آن می سنجند. در صورتی که اندازه این نسبت برای هر فرد جامعه بزرگتر از اندازه مشخص و معلوم مد نظر باشد، آن فرد، فقیر محسوب می شود.

چهارم ۱۸ درصد، طبقه پنجم ۵ درصد، طبقه ششم ۲/۵ درصد می‌باشد.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های مورد نیاز هر یک از متغیرهای این تحقیق متناسب با مدل مورد نظر و از داده‌های واقعی موجود در سازمان باننشستگی ن.م و داده‌های مندرج در گزارش‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده و از ابزار پرسشنامه استفاده نشده است. از طرفی کل جامعه هدف و داده‌های مرتبط با متغیرهای مدل‌های مورد استفاده بررسی شده و نمونه‌برداری از جامعه انجام نشده است. لذا نیازی به برآورد پایایی و روایی ابزار گردآوری داده‌ها احساس نشد و از ابزار محقق ساخته‌ای در این زمینه استفاده نشده است.

مطالعات پیشین

مطالعات داخلی

- اولین مطالعه جامع خط فقر در کشور به وسیله دکتر حسین عظیمی ۱۳۵۶ انجام شده است. این مطالعه بر اساس آمارهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران، طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۳ انجام یافته است (مالکی و ابونوری، ۱۳۸۷).
- فرهاد نیلی (۱۳۷۵) به بررسی تحولات خط فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در ایران پرداخت. وحید محمودی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه‌گیری فقر در ایران» به تحلیل درجه کم‌توانی مالی در ایران و چگونگی تغییرات آن در طول سیاست موسوم به تعدیل اقتصادی (۱۳۷۳-۱۳۶۸) پرداخته است (حسینی، ۱۳۹۱).
- یکی از محققان دیگر در قالب مقاله‌ای با عنوان «فقر و نابرابری در ایران» به ارزیابی سیاست‌های دولت در دوره بعد از انقلاب برای مبارزه با کم‌توانی مالی و نابرابری و سنجش ظرفیت‌های نهادی موجود در کشور برای اجرای برنامه فقرزدایی در آینده پرداخته است (هادی زنوز، ۱۳۸۴).
- فریده باقری و حسین کاوند (۱۳۸۷) اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۵) به بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و فقر و چگونگی تأثیر توأم رشد و تغییرات نابرابری در کاهش فقر پرداختند.

- حمید زمان زاده و اصغر شاه مرادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «برآورد خطوط فقر در ایران بر اساس بعد خانوار» به بررسی تأثیر بعد خانوار بر روی برآورد خط کم‌توانی مالی پرداخته است.
- عباس شاکری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اثر غیرخطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران» به بررسی اثر تورم بر نابرابری درآمد در ایران پرداخته‌اند.

مطالعات خارجی

- کاکوانی^۱ و سان^۲ (۲۰۱۶) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان «درباره ارزیابی برنامه‌های دولت به نفع فقرا»، نشان دادند، در کشور تایلند برنامه‌های رفاهی دولت بیشتر به نفع فقرا بوده است تا اغنیا.
- بک، کونت و لوین، در مطالعه‌ای تحت عنوان توسعه مالی، نابرابری و فقر، به بررسی تأثیر توسعه مالی بر فقر و نابرابری در کشورهای مختلف پرداختند
- راولیون و چین^۳ (۱۹۹۷) مطالعه‌ای را با استفاده از داده‌های مقطعی ۶۲ کشور در حال توسعه انجام دادند که نشان می‌داد با افزایش یک‌درصدی درآمد سرانه، نسبت افرادی که زیر خط فقر (درآمد کمتر از یک دلار در روز) قرار دارند، ۳/۱ درصد کاهش خواهد یافت.
- پیج آدامز^۴ (۲۰۰۳) در مطالعه‌هایی با استفاده از اطلاعات و آمار کشورهای در حال توسعه و با تفکیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، از طریق متغیر مجازی، به بررسی ارتباط فقر و نابرابری با رشد اقتصادی پرداخته است.
- ساکس^۵ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که ساکنان کشورهای ثروتمندتر از کشورهای فقیرتر، شادترند. یافته این پژوهشگران، «پارادوکس استرلین» را که به مدت سه دهه رایج بوده است، به چالش کشید. بر اساس این دیدگاه، افزایش تولید ناخالص داخلی به معنای رفاه بیشتر مردم نیست. رواج چنین باورهایی مسئولان

1. Kakwani, N.
2. Son, H. H.
3. Chen, S.
4. Adams, A. P.
5. Sacks

کشورهای مختلف را به تلاش برای یافتن راه‌های تازه‌ای برای ارتقای کیفیت زندگی مردم واداشته بود، اما یافته این پژوهشگران نادرستی پارادوکس استرلاین را اثبات می‌کند (افشاری و دهمرده، ۱۳۹۳).

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم کم‌توانی مالی (فقر)

در سال‌های اخیر کم‌توانی مالی و روش‌های اندازه‌گیری آن در دو حوزه سیاست‌گذاری و دانشگاهی کشورمان مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه آنکه از اواخر دهه ۶۰ و با شروع برنامه اول توسعه و آغاز برنامه تعدیل اقتصادی انتظار می‌رفت با در پیش گرفتن اصلاحات اقتصادی، بخشی از خانوارهای ایرانی در تأمین حداقل نیازهای خود دچار مشکل شوند. ناگفته نماند که توجه به مسئله کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی‌زدایی یک موضوع جهانی بود که ایران را نیز در بر گرفت. با ملاحظه نتایج مطالعات مختلف متوجه می‌شویم که اندازه کم‌توانی مالی در ایران طیف وسیعی را دربر می‌گیرد؛ به طوری که برای مثال بعضی محققان معتقدند کمتر از ۱۸ درصد جمعیت ایران فقیر می‌باشند و بعضی نتیجه گرفته‌اند ۷۰ درصد جمعیت درگیر کم‌توانی مالی می‌باشند. علت این تفاوت شدید در چیست؟

تفاوت در نتایج مربوط به اندازه کم‌توانی مالی که به وسیله محققان مختلف محاسبه شده است، به چند علت می‌باشد. اول آن که مفهوم کم‌توانی مالی از نظر محققان مختلف ممکن است متفاوت باشد. دوم آن که برای اندازه‌گیری کم‌توانی مالی روش واحد مورد توافقی وجود ندارد و هر محقق از یک روش خاصی برای محاسبه کم‌توانی مالی استفاده می‌کند.

تعاریف کم‌توانی مالی

در کلام معصومان^(ع) آمده است: «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ، فَقْرٌ سِيَاهُ رُؤْيِي فِي الدُّنْيَا وَ آخِرَتِهَا»^۱. همچنین رسول اکرم^(ص) می‌فرماید «لَوْ لَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَيَّ فَقْرُ أُمَّتِي كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»؛ «اگر رحمت خداوند بر فقر اُمّت من نبود، هرآینه فقر، آنها را به کفر می‌کشاند.»^۲

۱. میزان الحکمه، جلد ۷، ص ۴۹۸

۲. همان

کم‌توانی مالی مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش^۱ شکل گرفته است و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به این ترتیب کم‌توانی مالی مطلق به‌عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. برای این کار لازم است بدانیم مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاها و خدمات مشکل کم‌توانی مالی آنها برطرف خواهد شد. این نوع ایده از کم‌توانی مالی مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت^۲ (۱۸۸۹) و روانتری^۳ (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است (افشاری، دهمرده، ۱۳۹۳).

در مقابل کم‌توانی مالی مطلق کم‌توانی مالی نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است که در آن دآوری‌ها برای تعیین سطح کم‌توانی مالی مؤثر است. کم‌توانی مالی نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی تعریف شده است که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود.

تعاریف و مفاهیم خط کم‌توانی مالی

به عقیده مارتین راولیون (۱۹۹۸) خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح از رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند، غیرفقیر می‌باشند. برای اندازه‌گیری کم‌توانی مالی و تعیین فقیرها و تمیز آنها از غیر فقیرها به یک آستانه یا ملاک به نام خط کم‌توانی مالی نیاز می‌باشد. این آستانه چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ این آستانه را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای تأمین حیات تعریف نمود؛ اما ادامه حیات خود کاملاً روشن نمی‌باشد. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از کم‌توانی مالی و خط کم‌توانی مالی ارائه شود. بعضی از محققان حداقل معاش برای ادامه حیات را برحسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. برای مثال در کشور چین حداقل معاش بر اساس نیاز بدن بر ۲۱۵۰ کالری در روز تعریف شده است؛ به طوری که ۹۰ درصد آن از غلات و تنها ۱۰ درصد دیگر با مصرف

1. subsistence
2. Boot
3. Rowntree

خوراکی‌هایی به جز غلات تأمین شده باشد. در کشور اندونزی خط فقر برحسب ۲۰۰۰ کالری تعریف می‌شود؛ به طوری که ۶۶ درصد آن از طریق غلات تأمین شده باشد.

در این روش ابتدا یک میزانی از درآمد برای تأمین هزینه‌های غذایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود. سپس یا مقداری درآمد ثابت برای تأمین سایر نیازهای اساسی به آن افزوده می‌شود (روش روانتری) و یا میزان درآمد مورد نیاز برای تأمین هزینه‌های غذای لازم برای زنده ماندن فرد با استفاده از میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به هزینه کل فرد در جامعه مورد بررسی به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی تبدیل می‌شود (روش ارشانسکی) و یا این که با توجه به تابع مصرف انگل در جامعه، اندازه مشخص و معمولی را برای نسبت هزینه غذا به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی در نظر گرفته و نسبت هزینه غذا به درآمد هر یک از افراد را با آن می‌سنجند. در صورتی که اندازه این نسبت برای هر فرد جامعه بزرگ‌تر از اندازه مشخص و معلوم در نظر گرفته شده باشد وی فقیر محسوب می‌شود (روش نسبت غذا)^۱. در برخی مواقع برای تعیین خط کم‌توانی مالی روش ارشانسکی با اندکی تعدیل به کار گرفته می‌شود. به این صورت که به جای میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به کل هزینه فرد در کل جامعه مورد بررسی از میانگین نسبت غذا به کل هزینه افراد پایین‌ترین طبقه درآمدی جامعه استفاده می‌شود.

گاهی اوقات برای تعیین خط کم‌توانی مالی یا همان خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود، بلکه برای مشخص کردن حداقل نیازهای اساسی برای زندگی، حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیربنای مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانواده و ... نیز در نظر گرفته می‌شوند و در صورتی که هر یک از افراد جامعه حداقل یکی از این ویژگی‌ها را دارا نباشد، فقیر محسوب می‌شود.

خط کم‌توانی مالی نسبی یا به صورت درصد معینی (یا میانگین) از درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود (ابوالفتحی، ۱۳۷۱، ۱۰۱). انتخاب خط کم‌توانی مالی نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به‌عنوان فقیر معرفی شوند. به‌عنوان نمونه بر اساس این تعریف از

کم‌توانی مالی نسبی حتی در جامعه مرفهی نظیر آمریکا، علیرغم افزایش درآمدها و رفع نیازهای اساسی، همواره گروهی از جمعیت پایین‌تر از درصد معین میانه (در آمریکا نصف میانه) درآمد قرار داشته و بنابراین فقیر محسوب می‌شوند.

ساولهیل^۱ (۱۹۸۸) در خصوص فقر نسبی این‌طور بیان می‌کند که هر قدر هم کل درآمد و درآمد متوسط افراد جامعه افزایش یابد، «فقر به مفهوم نسبی کلمه، همیشه با ما خواهد بود» (ارشدی، کریمی، ۱۳۹۲).

تعاریف خط کم‌توانی مالی

خط کم‌توانی مالی عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این حداقل سطح رفاه و بالاتر از آن دسترسی دارند، غیرفقیر می‌باشند.

یافته‌های تحقیق

در تحلیل پدیده فقر یا کم‌توانی مالی صرف‌نظر از مباحث نظری که در بخش‌های قبلی به آن پرداخته شده است، از هر چیز باید برای تعیین فقیر از غیرفقیر ابتدا باید یک آستانه‌ای از امکانات خانوار را تعریف کرد. به این منظور از خط کم‌توانی مالی استفاده می‌شود. خط فقر یا کم‌توانی مالی به معنی میزان منابعی از درآمد و ثروت است که یک خانوار برای رسیدن به یک سطح معین از رفاه نیاز دارد. خط کم‌توانی مالی مقدار معین و غیرقابل تغییری نیست، بلکه بسته به مفهومی که از کم‌توانی مالی در نظر است، مقدار آن متفاوت خواهد بود. از جمله روش‌های محاسبه خط کم‌توانی مالی استفاده از کالری استاندارد مورد نیاز یک فرد یا خانوار یا ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه و میانگین مخارج خانوار و یا معکوس ضریب انگل می‌توان نام برد. در روش اول بر اساس نظر متخصصان تغذیه‌ای فرض می‌شود که هر فرد به ۲۳۰۰ کالری انرژی در روز نیاز دارد سپس قیمت هر واحد کالری تعیین می‌گردد.

برای تعیین خط فقر یا کم‌توانی مالی می‌توان سهم هزینه غذایی را با مراجعه به رفتار خانوارها تعیین نمود. سپس رقم فوق را در معکوس سهم هزینه غذای خانوار ضرب نمود تا خط

کم‌توانی مالی خانوار تعیین گردد. در روش دوم میانگین یا میانه مخارج خانوار را تعیین می‌کنند سپس ۵۰ یا ۶۶ درصد آن را به‌عنوان خط کم‌توانی مالی محاسبه می‌کنند. در اینجا تنها دو روش از برآوردهای صورت گرفته برای خط کم‌توانی مالی ارائه می‌گردد. یکی بر پایه مفهوم مطلق کم‌توانی مالی (روش نیاز به ۲۳۰۰ کالری) و دیگری بر پایه مفهوم کم‌توانی مالی نسبی (روش معکوس ضریب انگل) است. جهت این بررسی ابتدا هزینه خانوار و سپس درآمد آنها ارائه می‌گردد.

جدول ۱: متوسط هزینه خالص سالیانه خانوار ایران به تفکیک گروه هزینه (مأخذ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

۱۳۹۳		۱۳۸۴		سال
درصد توزیع	هزینه به میلیون ریال	درصد توزیع	هزینه به میلیون ریال	گروه‌های هزینه
۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	۶۲	جمع کل هزینه خالص
۲۵	۸۱	۲۶	۱۶	۱- خوراکی و آشامیدنی‌ها
۰/۴	۱	۰/۵	۰/۳	۲- دخانیات
۵	۱۵	۶	۴	۳- پوشاک و کفش
۳۴	۱۱۰	۳۰	۱۹	۴- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها
۴	۱۴	۶	۴	۵- لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه
۶	۱۹	۵	۳	۶- بهداشت و درمان
۸	۲۶	۱۲	۸	۷- حمل و نقل
۲	۷	۲	۱	۸- ارتباطات
۲	۸	۳	۲	۹- تفریح و امور فرهنگی
۱	۶	۲	۱	۱۰- تحصیل
۲	۷	۲	۰/۲	۱۱- رستوران و هتل
۸	۲۵	۵	۳	۱۲- کالا و خدمات متفرقه

بر اساس اطلاعات مندرج در گزارش منتشره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در شهریور ۱۳۹۴ که در آن به اعلام نتایج بررسی بودجه خانوار پرداخته شده و جدول ۱ موارد مربوط به این توضیحات را برای سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد می‌توان به طور خلاصه موارد زیر را استنباط نمود:

۱- در سال (۹۳) متوسط هزینه خالص سالانه یک خانوار شهری حدود ۳۱۸۱۵۴

هزار ریال (ماهانه حدود ۲۶۵۱۲ هزار ریال) بود که نسبت به سال قبل ۶/۱۵

افزایش داشته است؛

۲- از کل این مبلغ ۴/۲۵ درصد (حدود ۸۰۸۰۶ هزار ریال) سهم گروه هزینه

خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۹۲ معادل ۱/۸ درصد

افزایش داشته است؛

۳- هزینه‌های گروه‌های بهداشت و درمان ۸/۱۸ درصد، حمل و نقل ۷/۳۹ درصد،

تفریح و امور فرهنگی ۲/۱۸ درصد، تحصیل ۶/۲۳ درصد، رستوران و هتل ۹/۱۱

درصد و کالاها و خدمات متفرقه ۵/۲۸ درصد افزایش داشته است.

در همان حال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در گزارش مذکور به بودجه درآمدی

خانوار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ نیز پرداخته است.

جدول ۲: متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار طی سال‌های ۹۳-۸۴ (مبلغ به میلیون ریال، مأخذ

بانک مرکزی)

سال		۱۳۸۴		۱۳۹۳	
گروه‌های درآمد		درآمد	درصد	درآمد	درصد
		توزیع	توزیع	توزیع	توزیع
مجموع درآمد پولی و غیر پولی خالص		۷۸	۱۰۰	۲۱۳	۱۰۰
درآمد پولی ناخالص		۵۸	۷۴/۵	۲۱۹	۷۰
۱- درآمد از مزد و حقوق بخش دولتی و عمومی		۱۲	۱۷/۲	۳۳	۱۰/۵
۲- درآمد از مزد و حقوق بخش خصوصی		۱۰	۱۳/۲	۴۴	۱۴
۳- درآمد از مزد و حقوق بخش تعاونی		-	-	۰/۲	۰/۱

سال		۱۳۸۴		۱۳۹۳	
۴- درآمد از مشاغل آزاد کشاورزی		۲/۱	۱/۷	۴/۱	۱/۳
۵- درآمد از مشاغل آزاد غیر کشاورزی		۲۲/۷	۱۸/۳	۵۳	۱۷
۶- درآمدهای متفرقه		۱۴/۲	۱۱	۷۴	۲۳/۵
۷- درآمد حاصل از فروش کالای دست‌دوم		۴/۱	۳/۲	۱۰/۶	۳/۴
درآمد غیر پولی		۲۵/۵	۱۹/۸	۹۵/۱	۳۰/۳
۱- ارزش اجاری خانه شخصی (مالک‌نشین) ^۱		۲۰	۱۵/۵	۷۶/۳	۲۴/۳
۲- سایر ^۲		۵/۵	۴/۳	۱۸/۸	۶

خلاصه دو سال اول و آخر گزارش مذکور به شرح جدول ۲ ارائه شده است. نتایج خلاصه مستخرج از جدول دو برای کل سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- در سال ۱۳۹۳ بررسی متوسط درآمد پولی و غیرپولی ناخالص سالانه یک خانوار شهری حدود ۳۱۳۸۲۰ هزار ریال (ماهانه حدود ۲۶۱۵۲ هزار ریال) بود که ۷۰/۶۹ درصد آن درآمد پولی ناخالص و ۳/۳۰ درصد را درآمد غیر پولی تشکیل داده است.
- ۲- در سال ۱۳۹۳ کل درآمد پولی و غیر پولی ناخالص خانوار نسبت به سال قبل حدود ۳/۱۳ درصد افزایش داشت (میزان افزایش درآمد پولی ناخالص خانوار معادل ۱/۱۴ درصد و درآمد غیر پولی ۵/۱۱ درصد بود).
- ۳- یافته‌های این بررسی مؤید آن است که در بین درآمدهای پولی ناخالص خانوار، درآمد از مزد و حقوق بخش دولتی و عمومی ۰/۲۵ درصد، درآمد از مزد و حقوق بخش خصوصی ۶/۲۳ درصد، درآمد از مزد و حقوق بخش تعاونی ۱/۳۲ درصد، درآمد از مشاغل آزاد کشاورزی ۹/۲۶ درصد درآمد از مشاغل آزاد غیرکشاورزی ۲/۳ درصد، درآمدهای متفرقه ۷/۱۲ درصد و درآمد حاصل از فروش کالای دست‌دوم ۶/۱۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

۱. تا سال ۱۳۸۹ در گروه درآمد از مزد و حقوق بخش خصوصی سؤال می‌گردیده است.
 ۲. سایر شامل برآورد ارزش اجاری مسکن در برابر خدمت و رایگان و ارزش کالاها و خدمات در برابر مزد و حقوق، (نه از خانواده دیگر)؛ تولید برای مصرف در خانه از محل کسب کشاورزی و غیر کشاورزی می‌باشد.

جدول ۳: تغییرات ارقام هزینه در بودجه خانوار مستخرج از گزارش بانک مرکزی

درصد تغییرات ۱۳۹۳ نسبت به ۱۳۹۲	درصد تغییرات ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۸۳	سال
		گروه‌های هزینه
۱۵٫۶	۱۲٫۸	جمع کل هزینه خالص
۸٫۱	۶٫۲	۱- خوراکی و آشامیدنی‌ها
-۱٫۴	۸٫۹	۲- دخانیات
۱۵٫۹	۱۳٫۵	۳- پوشاک و کفش
۱۳٫۲	۱۴٫۶	۴- مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها
۱۴٫۷	۱۵٫۴	۵- لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه
۱۸٫۷	۱۴٫۶	۶- بهداشت و درمان
۳۹٫۷	۱۵٫۴	۷- حمل و نقل
۲۲٫۷	۴۲٫۸	۸- ارتباطات
۱۸٫۲	-۰٫۱	۹- تفریح و امور فرهنگی
۲۳٫۶	۲۸٫۱	۱۰- تحصیل
۱۱٫۹	۱۱٫۴	۱۱- رستوران و هتل
۲۸٫۵	۲۱٫۸	۱۲- کالا و خدمات متفرقه

جدول ۳ نشان می‌دهد که درصد تغییرات در هر یک از اقلام هزینه در بودجه خانوار نسبت به سال قبل چقدر بوده است. برای سهولت درک فقط تغییرات سال ۸۴ و ۹۳ را نسبت به سال‌های قبل از آن در این جدول نشان داده‌ایم.

همین‌طور میزان تغییرات در بودجه درآمد سالیانه خانوار نسبت به سال قبل نیز در جدول ۴ ارائه شده است. برای سهولت درک فقط دو سال اول و آخر مطالعه نسبت به سال قبل آنها در جدول نشان داده شده است.

جدول ۴ درصد تغییر متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار به تفکیک سهم گروه‌های مختلف درآمد طی سال‌های ۹۳-۱۳۸۴؛ منبع بانک مرکزی

درصد تغییرات سال	درصد تغییرات سال	گروه‌های درآمد
۹۳ نسبت به ۹۲	۸۴ نسبت به ۸۳	
۱۳/۳	۱۹/۵	مجموع درآمد پولی و غیر پولی خالص
۱۴/۱	۲۱/۹	درآمد پولی ناخالص
۲۵	۲۳/۳	۱- درآمد از مزد و حقوق بخش دولتی و عمومی
۲۳/۶	۲۲/۸	۲- درآمد از مزد و حقوق بخش خصوصی
۳۲/۱	-	۳- درآمد از مزد و حقوق بخش تعاونی
۲۶/۹	-	۴- درآمد از مشاغل آزاد کشاورزی
۳/۲	۲۶/۲	۵- درآمد از مشاغل آزاد غیر کشاورزی
۱۲/۷	۱۸/۱	۶- درآمدهای متفرقه
۱۳/۶	۱۹	۷- درآمد حاصل از فروش کالای دست‌دوم
۱۱/۵	۱۲/۳	درآمد غیر پولی
۱۱/۶	۱۱/۶	۱- ارزش اجاری خانه شخصی (مالک نشین) ^۱
۱۱/۵	۱۴/۸	۲- سایر ^۲

خط فقر غذایی (بر اساس ۲۳۰۰ کالری) و غیر غذایی

خط کم‌توانی مالی یک حداقل سطح زندگی است که پایین‌تر از آن، سلامت اعضای خانوار دچار خطر می‌شود. در خط کم‌توانی مالی مطلق سلامت خانواده به مرحله هشدار می‌رسد. به این منظور خط فقر بر اساس نیاز ۲۳۰۰ کالری نیاز روزانه فرد به مواد غذایی و خط فقر غیر غذایی بر اساس حداقل نیاز فرد به نیازهای غیرخوراکی محاسبه شده است.

در گزارش منتشره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خط فقر غذایی (بر پایه ۲۳۰۰ کالری) و غیر غذایی سالانه و ماهانه در مناطق شهری در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۳ ارائه و نتایج

۱. تا سال ۱۳۸۹ در گروه درآمد از مزد و حقوق بخش خصوصی سؤال می‌گردیده است.
 ۲. سایر شامل برآورد ارزش اجاری مسکن در برابر خدمت و رایگان و ارزش کالاها و خدمات در برابر مزد و حقوق، (نه از خانواده دیگر)؛ تولید برای مصرف در خانه از محل کسب کشاورزی و غیر کشاورزی می‌باشد.

این محاسبات را در مناطق شهری نشان می‌دهد. بر پایه آن خط فقر غذایی سرانه/ سالانه از ۱۵۹۸ هزار ریال در سال ۱۳۸۳ به ۱۱۲۶۸ هزار ریال در سال ۹۲ افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر تأمین ۲۳۰۰ کالری برای هر یک از افراد خانوار در سال منجر به افزایش ۷ برابری در فاصله زمانی ۱۰ سال شده است. این افزایش به نسبت کمتری در خط فقر غیر غذایی سرانه سالانه در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۳ خود را نشان می‌دهد. خط فقر غیر غذایی سرانه سالانه در فاصله زمانی ۱۰ سال مذکور ۶ برابر شده است. در مجموع خط فقر غذایی و غیر غذایی سرانه برحسب سال و ماه نیز روندی افزایشی داشته است و در فاصله زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۴ کمی بیش از ۶/۵ برابر شده است. خلاصه‌ای از موارد فوق در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: خط فقر غذایی بر پایه ۲۳۰۰ کالری و غیر غذایی سالانه و ماهانه (مستخرج از گزارش بانک مرکزی)

سال	خط فقر غذایی (سرانه/سالانه)	خط فقر غیر غذایی (سرانه/سالانه)	خط فقر سالانه غذایی+غیر غذایی (سرانه/سالانه)	خط فقر سرانه/ماهانه
۱۳۸۳	۱٫۶	۳	۴٫۶	۰٫۴
۸۴	۱٫۸	۳٫۳	۵	۰٫۴۲
۸۵	۱٫۹	۳٫۷	۵٫۶	۰٫۴۷
۸۶	۲٫۳	۴٫۵	۶٫۸	۰٫۵۶
۸۷	۲٫۹	۶	۸٫۹	۰٫۷۴
۸۸	۳٫۶	۷٫۶	۱۱٫۲	۰٫۹۴
۸۹	۳٫۹	۷٫۵	۱۱٫۴	۰٫۹۵
۹۰	۵٫۹	۱۲	۱۸	۱٫۵
۹۱	۸٫۲	۱۵	۲۳	۱٫۹
۹۲	۱۱٫۳	۱۹	۳۰	۲٫۵

خط فقر یا کم‌توانی مالی بر پایه معکوس ضریب انگل

ضریب انگل عددی است که بر بخشی از درآمد که صرف مواد غذایی شده است، دلالت دارد. چرا از این ضریب برای تعریف خط کم‌توانی مالی استفاده می‌شود؟ پاسخ به این سؤال واضح و

روشن است؛ زیرا رابطه‌ای پایدار و منظم بین درآمد کل و مخارج مواد غذایی وجود دارد. به این ترتیب که با افزایش درآمد، مخارج مواد غذایی افراد به نسبت کمتری افزایش می‌یابد. برای به دست آوردن خط کم‌توانی مالی برحسب درآمد، کافی است هزینه مواد غذایی در معکوس ضریب انگل ضرب شود. ارشانسکی از این روش برای ساختن خط کم‌توانی مالی برای اداره تأمین اجتماعی آمریکا استفاده نمود.

در مطالعه حاضر ضریب انگل برای جامعه شهری ایران به‌طور متوسط ۰/۱۵ و برای جامعه روستایی ۰/۲۸ برآورد شده است. مزیت این روش در این است که نیازی به انتخاب سایر نیازها و تعیین مقدار ثابتی از آنها نیست. با افزایش سطح زندگی بخشی از درآمد که صرف مواد غذایی می‌شود کاهش می‌یابد و بنابراین ضریب مخارج غذایی افزایش می‌یابد. نتایج مربوط به خط کم‌توانی مالی در جامعه شهری و روستایی کشور برحسب معکوس ضریب انگل در جدول ۶ درج گردیده است.

برای برآورد ضریب انگل نیز ابتدا مخارج خوراکی و مخارج کل خانوارهای مورد مطالعه به ده گروه درآمدی تقسیم و سپس چهار مدل زیر به روش‌های اقتصادسنجی برآورد می‌گردد.

$$۱) F = \alpha_0 + \alpha_1 I + \varepsilon$$

$$۲) F = \beta_0 + \beta_1 \ln I + L$$

$$۳) F = \gamma_0 + \gamma_1 I + \theta$$

$$۴) F = \eta_0 + \eta_1 \ln I + \lambda$$

که در آن F: مخارج خوراکی خانوارهای هر دهک

I: مخارج کل هر دهک

ε و L و θ و λ : جملات پسماند

این مدل‌ها به روش OLS تخمین زده شده است و پس از بررسی فروض روش تخمین OLS، بهترین مدل انتخاب و ضریب انگل محاسبه می‌گردد.

جدول ۶: خط فقر یا کم‌توانی مالی بر پایه معکوس ضریب انگل در مناطق شهری در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۲

سال	ضریب انگل	متوسط هزینه خوراک میلیون ریال	خط فقر سالانه/سرانه (میلیون ریال)	خط فقر ماهانه/سرانه (میلیون ریال)
۱۳۸۰	۰٫۱۶۴	۱٫۸	۱۱	۰٫۹۲
۸۱	۰٫۱۷۵	۲٫۳	۱۳	۱٫۱
۸۲	۰٫۱۷۲	۲٫۸	۱۶	۱٫۳
۸۳	۰٫۱۵۹	۳٫۳	۲۰٫۸	۱٫۷
۸۴	۰٫۱۴۷	۳٫۵	۲۴٫۱	۲
۸۵	۰٫۱۴۱	۳٫۹	۲۷٫۸	۲٫۳
۸۶	۰٫۱۳۷	۴٫۷	۳۴٫۵	۲٫۹
۸۷	۰٫۱۵۱	۵٫۵	۳۶٫۶	۳
۸۸	۰٫۱۶۳	۵٫۹	۲۵٫۹	۳
۸۹	۰٫۱۵۱	۷٫۲	۴۷٫۵	۴
۹۰	۰٫۱۶۰	۹٫۲	۵۷٫۳	۴٫۸
۹۱	۰٫۱۹۵	۱۲٫۸	۶۵٫۳	۵٫۴
۹۲	۰٫۱۹۰	۱۶٫۳	۸۵٫۷	۷٫۱

نتایج خط فقر یا کم‌توانی مالی و میزان تغییرات سالیانه آن به‌طور خلاصه در جدول ۷ نشان می‌دهد که خط مذکور در مناطق شهری کشور اگرچه در بعضی از سال‌ها نوسان داشته، ولی در مجموع دارای روندی نزولی بوده است. این شاخص از ۳۶٫۷۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۵٫۹ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است؛ یعنی در طول ۲۱ سال حدود ۵۷ درصد شاخص کم‌توانی مالی مطلق در مناطق شهری کشور بهبود پیدا کرده است. این شاخص از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته و از سال ۱۳۸۵ رو به افزایش نهاده است. کمترین اندازه این شاخص مربوط به سال ۱۳۸۴ بوده که جمعیت زیر خط کم‌توانی مالی در این سال حدود ۱۱ درصد بوده است و بیشترین مقدار این شاخص مربوط به سال ۱۳۶۹ بوده که جمعیت زیر خط کم‌توانی مالی در این سال به حدود ۴۱ درصد رسیده است. میانگین این شاخص در مناطق شهری کشور ۲۳٫۷۶ درصد بوده است؛ یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ به‌طور متوسط هرساله حدود ۲۴ درصد از جمعیت شهری کشور از پدیده شوم کم‌توانی مالی رنج برده‌اند.

شاخص شکاف کم‌توانی مالی مشابه شاخص سرشمار، به طور کلی روندی نزولی داشته است. این شاخص در مناطق شهری از ۴۰٫۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۳۲٫۱ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است؛ یعنی در طول ۲۱ سال حدود ۲۱ درصد فاصله کم‌توانی مالی از خط کم‌توانی مالی کاهش یافته است. شکاف کم‌توانی مالی در این مناطق از سل ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته و از سال ۱۳۸۵ مجدداً رو به افزایش نهاده است. بیشترین اندازه این شاخص در سال ۱۳۶۹ و حدود ۴۲ درصد بوده و کمترین اندازه این شاخص مربوط به سال ۱۳۸۴ و حدود ۲۹ درصد بوده است. این به معنای آن است که در سال ۱۳۶۹ برای از بین بردن کم‌توانی مالی مطلق در مناطق شهری کشور، درآمد اقشار فقیر بایستی حدود ۴۲ درصد افزایش می‌یافته، در حالی که در سال ۱۳۸۶ کمتر از ۲۹ درصد افزایش در درآمد کم‌توانی مالی کافی بوده تا کم‌توانی مالی مطلق شهری برطرف شود. میانگین این شاخص در مناطق شهری کشور ۳۳٫۴ درصد بوده است؛ یعنی در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ فقیران شهری کشور به‌طور متوسط بیش از ۳۳ درصد از خط کم‌توانی مالی فاصله داشته‌اند.

در جدول ۷ نتایج خط فقر مطلق یا کم‌توانی مالی مطلق و میزان تغییرات سالیانه آن به طور خلاصه گردآوری شده است.

جدول ۷: درصد کم‌توانی مالی و درصد تغییرات آن (روند تغییر شاخص‌های کم‌توانی مالی در مناطق شهری و روستایی)

شاخص شکاف فقر		شاخص فقر مطلق						سال
درصد تغییر نسبت به سال قبل		درصد شکاف فقر		درصد تغییر نسبت به سال قبل		درصد فقر مطلق		
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
-	-	۴۳٫۵	۴۰٫۷	-	-	۴۵٫۵۰	۳۶٫۷۳	۱۳۶۸
-۶٫۰	-۳٫۲	۴۶٫۱	۴۲٫۰	۷٫۳	-۱۱٫۶	۴۲٫۱۹	۴۱٫۰۰	۱۳۶۹
۰٫۷	۹٫۵	۴۵٫۸	۳۸٫۰	۷٫۹	۹٫۹	۳۸٫۸۷	۳۶٫۹۳	۱۳۷۰
۱٫۳	۲٫۱	۴۵٫۲	۳۷٫۲	۶٫۷	۱٫۸	۳۶٫۲۶	۳۶٫۲۷	۱۳۷۱
۱٫۳	۴٫۳	۴۴٫۶	۳۵٫۶	-۳٫۱	۷٫۴	۳۷٫۳۹	۳۳٫۵۹	۱۳۷۲
۷٫۴	۳٫۹	۴۱٫۳	۳۴٫۲	-۲	۹٫۷	۳۸٫۱۲	۳۰٫۳۲	۱۳۷۳
-۵٫۳	-۵٫۰	۴۳٫۵	۳۵٫۹	-۴٫۴	-۱۸٫۰	۳۹٫۷۹	۳۵٫۷۸	۱۳۷۴
۱٫۶	۱٫۷	۴۲٫۸	۳۵٫۳	-۱٫۰	۱۰٫۱	۴۰٫۱۹	۳۲٫۱۵	۱۳۷۵
۰٫۹	۳٫۱	۴۲٫۴	۳۴٫۲	-۱۰٫۰	۱۱٫۰	۴۴٫۲۲	۲۸٫۶	۱۳۷۶
-۱٫۲	۰٫۰	۴۲٫۹	۳۴٫۲	۵٫۷	۱۰٫۴	۴۱٫۶۸	۲۵٫۶۳	۱۳۷۷

تعیین خط کم‌توانی مالی و تخمین آن تا افق ۱۴۰۴

با توجه به محاسبات خط کم‌توانی مالی برای یک خانواده ۵ نفره در سال ۹۴ به وسیله مرکز آمار، بازنشستگان باید درآمد ماهیانه معادل ۲٫۷ میلیون تومان داشته باشند. بر این اساس محاسبه ده سال آتی کم‌توانی مالی مطلق را بر اساس میانگین تغییرات بیست‌ساله نرخ تورم که رابطه بسیار نزدیک و مستقیمی با خط کم‌توانی مالی دارد و به طور میانگین از سال ۷۴-۹۴ معدل ۱۸ درصد می‌باشد، طبق نمودار انجام گرفت. این محاسبات از سال ۱۳۸۳ تا ۹۴ بر اساس آمارهای موجود مراکز آماری دولتی می‌باشد و از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۵ بر اساس روند تغییرات نرخ تورم تخمین زده شده است؛ و به تبع آن خط کم‌توانی مالی نیز به دست آمده است.

همان‌طور که اشاره شد، در جامعه هدف مورد بررسی و بر اساس طبقه‌های درآمدی، جمعیت این جامعه به هفت طبقه تقسیم گردید. مطابق آمار و داده‌های جمع‌آوری شده، در سال ۱۳۹۴ جمعیت طبقه اول معادل ۳٫۶ درصد، طبقه دوم ۳۵ درصد، طبقه سوم ۳۴ درصد،

طبقه چهارم ۱۸ درصد، طبقه پنجم ۵ درصد، طبقه ششم ۲/۵ درصد و طبقه هفتم معادل ۱/۲ درصد می‌باشد که این طبقه‌بندی و درصدهای هر طبقه در جدول ۱ قابل مشاهده است.

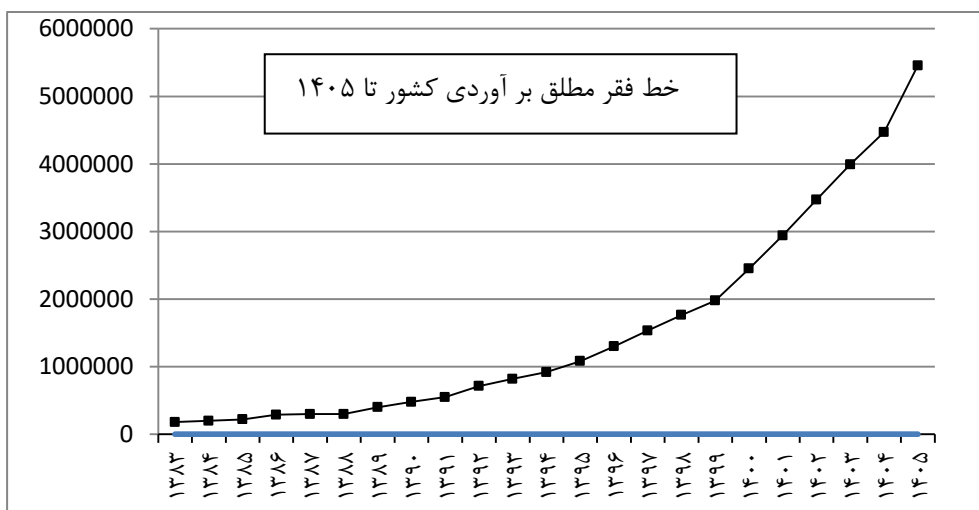
جدول ۱: تقسیم‌بندی درآمدی بازنشستگان ن.م به میلیون تومان (مستخرج از نتایج تحقیق)

سال	طبقه اول (۳/۶ درصد)	طبقه دوم (۳۵ درصد)	طبقه سوم (۳۴ درصد)	طبقه چهارم (۱۸ درصد)	طبقه پنجم (۵ درصد)	طبقه ششم (۲/۵ درصد)	طبقه هفتم (۱/۲ درصد)
۱۳۹۴	کمتر از ۱	۱-۱/۵	۱/۵-۲	۲-۲/۵	۲/۵-۳	۳-۳/۵	بالتر از ۳/۵
۱۳۹۵	کمتر از ۱/۲	۱/۲-۱/۸	۱/۸-۲/۴	۲/۴-۳	۳-۳/۶	۳/۶-۴/۲	بالتر از ۴/۲
۱۳۹۶	کمتر از ۱/۵	۱/۵-۲/۲	۲/۲-۳	۳-۳/۷	۳/۷-۴/۴	۴/۴-۵/۱	بالتر از ۵/۱
۱۳۹۷	کمتر از ۱/۸	۱/۸-۲/۶	۲/۶-۳/۴	۳/۴-۴/۴	۴/۴-۵/۲	۵/۲-۶	بالتر از ۶
۱۳۹۸	کمتر از ۲/۲	۲/۲-۳/۲	۳/۲-۴/۲	۴/۲-۵/۲	۵/۲-۶/۲	۶/۲-۷/۲	بالتر از ۷/۲
۱۳۹۹	کمتر از ۲/۶	۲/۶-۳/۸	۳/۸-۵	۵-۶/۲	۶/۲-۷/۴	۷/۴-۸/۶	بالتر از ۸/۶
۱۴۰۰	کمتر از ۳	۳-۴/۵	۴/۵-۶	۶-۷/۵	۷/۵-۹	۹-۱۰/۵	بالتر از ۱۰/۵
۱۴۰۱	کمتر از ۳/۶	۳/۶-۵/۴	۵/۴-۷/۲	۷/۲-۹	۹-۱۰/۸	۱۰/۸-۱۲/۶	بالتر از ۱۲/۶
۱۴۰۲	کمتر از ۴/۳	۴/۳-۶/۵	۶/۵-۸/۷	۸/۷-۱۰/۹	۱۰/۹-۱۳/۱	۱۳/۱-۱۵/۳	بالتر از ۱۵/۳
۱۴۰۳	کمتر از ۵/۲	۵/۲-۷/۸	۷/۸-۱۰/۴	۱۰/۴-۱۳	۱۳-۱۵/۶	۱۵/۶-۱۸/۲	بالتر از ۱۸/۲
۱۴۰۴	کمتر از ۶/۲	۶/۲-۹/۴	۹/۴-۱۲/۶	۱۲/۶-۱۵/۸	۱۵/۸-۱۹	۱۹-۲۲/۲	بالتر از ۲۲/۲

تحلیل آماری

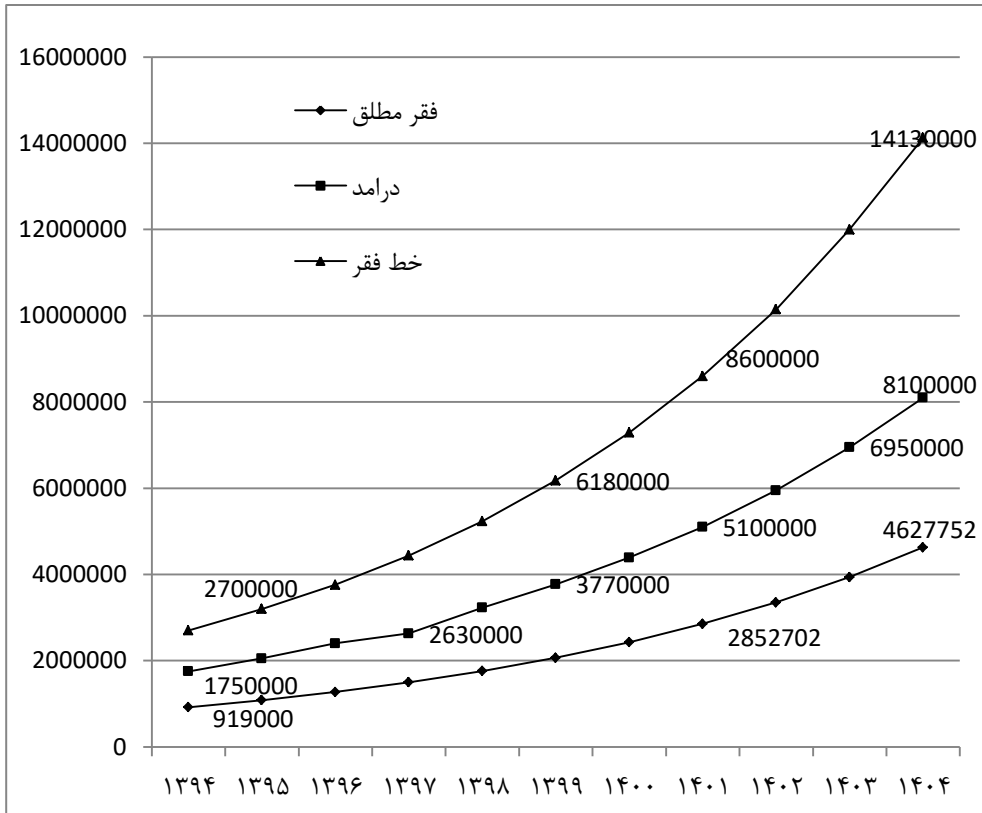
برای هر کدام از طبقه‌ها یک نمودار مقایسه‌ای با خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق ترسیم گردید که روند تغییر هر کدام و شکاف بین آنها را مشخص می‌کند و در نهایت نمودار کلی وضعیت طبقه‌های مختلف در مقایسه با خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق به نمایش گذاشته شده است.

نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که چنانچه مطابق روش سری‌های زمانی و با فرض عدم تغییرات کلان در وضعیت شاخص‌های بودجه و هزینه خانوار نسبت به ادامه روند وضعیت بودجه و هزینه خانوار و روش‌های مورد استفاده بانک مرکزی در برآورد خط فقر یا کم‌توانی مالی کشور اقدام شود، وضعیت خط فقر مطلق یا کم‌توانی مالی مطلق کشور از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۴ به نحوی خواهد بود که در سال پایانی افق چشم‌انداز خط فقر به عدد ۴/۵ میلیون تومان در سال ۱۴۰۴ و به حدود ۵/۵ میلیون تومان در سال ۱۴۰۵ افزایش خواهد یافت.



نمودار ۱: کم‌توانی مالی مطلق ماهانه سرانه برای مناطق شهری ۱۳۸۳-۱۴۰۵ ارقام به تومان

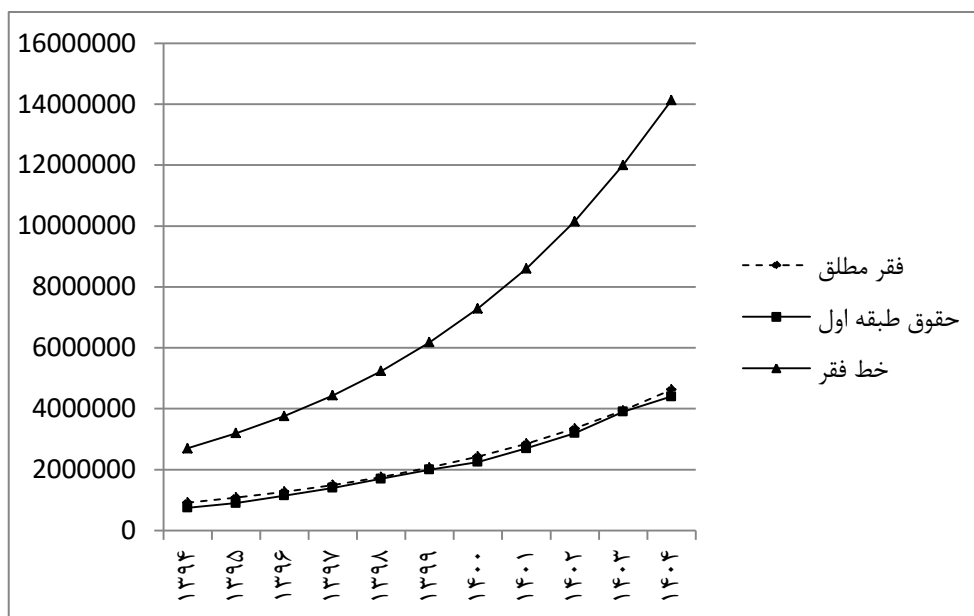
مطابق آنچه از نتایج این تحقیق (نمودار ۲) و با توجه به روش‌های محاسباتی بانک مرکزی و با فرض استمرار رویه فعلی هزینه‌های زندگی استنباط می‌شود، پیش‌بینی می‌شود که خط فقر یا سطح کم‌توانی معمول جامعه (نه خط فقر مطلق)، حدود ۱۴ میلیون تومان در ماه برای سال ۱۴۰۵ برآورد می‌شود. نمودارهای شماره ۲ تا ۱۱ که حاصل از گردآوری و تحلیل داده‌های میدانی که مربوط به جامعه بازنشستگان فعلی ن.م. با لحاظ نمودن روند آتی تغییرات نرخ تورم و هزینه‌های زندگی و تغییرات حقوق و مستمری بازنشستگان می‌باشد حاکی از آن است که همواره تعداد قابل توجهی از بازنشستگان در سطح کم‌توانی مالی قرار دارند که در سطوح مختلف بازنشستگان متفاوت خواهد بود.



نمودار ۲: پیش‌بینی کم‌توانی مالی مطلق و خط کم‌توانی مالی با نرخ ثابت ۱۸٪ ماهانه سرانه برای مناطق شهری و قیاس حقوق بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ با آن خط عمودی نشان‌دهنده پیش‌بینی درآمد بازنشستگان ن.م به ریال است (مستخرج از نتایج تحقیق).

نمودار سه نشان می‌دهد که در مجموع وضعیت معیشت بازنشستگان در افق ۱۴۰۴ بالاتر از سطح کم‌توانی مالی مطلق و پایین‌تر از سطح خط کم‌توانی کلی جامعه قرار خواهد داشت.

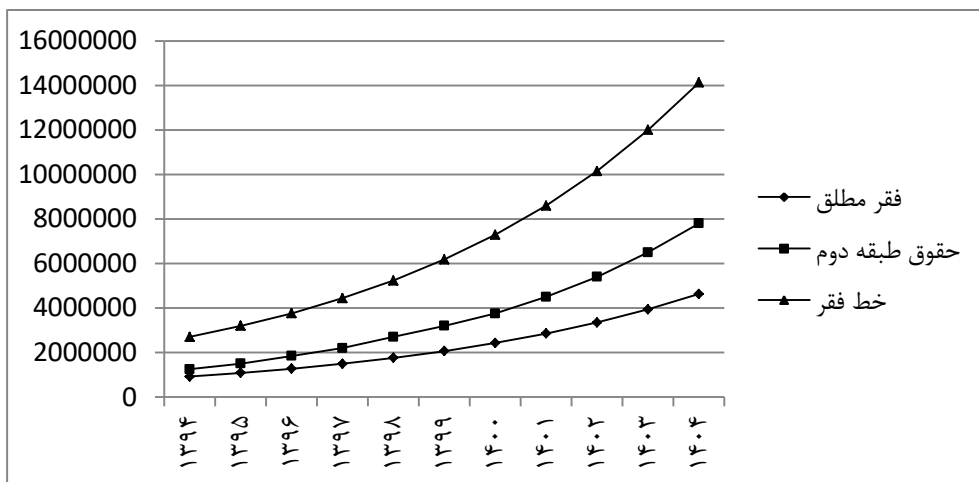
نمودار ۳ نشان می‌دهد که حقوق و مستمری بازنشستگان نیروهای مسلح که در طبقه اول حقوقی قرار دارند در افق ۱۳۹۶ تا با ۱۴۰۴ وضعیت نامناسبی نسبت به حداقل‌های سطح معیشت زندگی در کشور مواجه خواهند بود. نسبت جمعیت این طبقه از کل بازنشستگان نیروهای مسلح حدود ۳/۶ درصد جامعه آماری می‌باشد



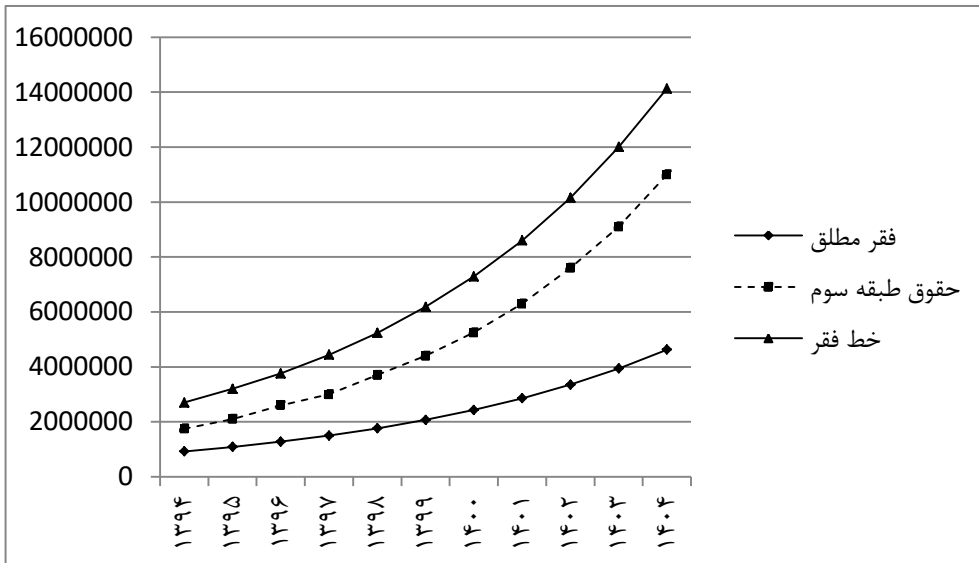
نمودار ۳: برآورد روند تغییر شاخص‌های کم‌توانی مالی در مناطق شهری و روستایی و وضعیت درآمدی طبقه اول جامعه بازنشستگان ن.م نسبت به آن (ارقام به تومان).

مشاهده می‌شود که وضعیت طبقه اول بازنشستگان ن.م که کمترین مبلغ درآمدی در بین بازنشستگان ن.م را به خود اختصاص داده‌اند و متأسفانه نسبت آنها از $\frac{۳}{۶}$ درصد کل جامعه بازنشستگان ن.م تجاوز می‌کند، تقریباً منطبق با خط کم‌توانی مالی مطلق برآوردی در مناطق شهری و روستایی کشور است و وضعیت بسیار نامساعدی خواهند داشت. همچنان این قشر از جامعه با فاصله زیادی از خط کم‌توانی و بسیار پایین‌تر از آن به زندگی سخت خود ادامه خواهند داد. این قشر نیازمند توجه ویژه خواهند بود. استمرار وضعیت فعلی این قشر از جامعه هدف را با استیصال کامل مواجه خواهد ساخت.

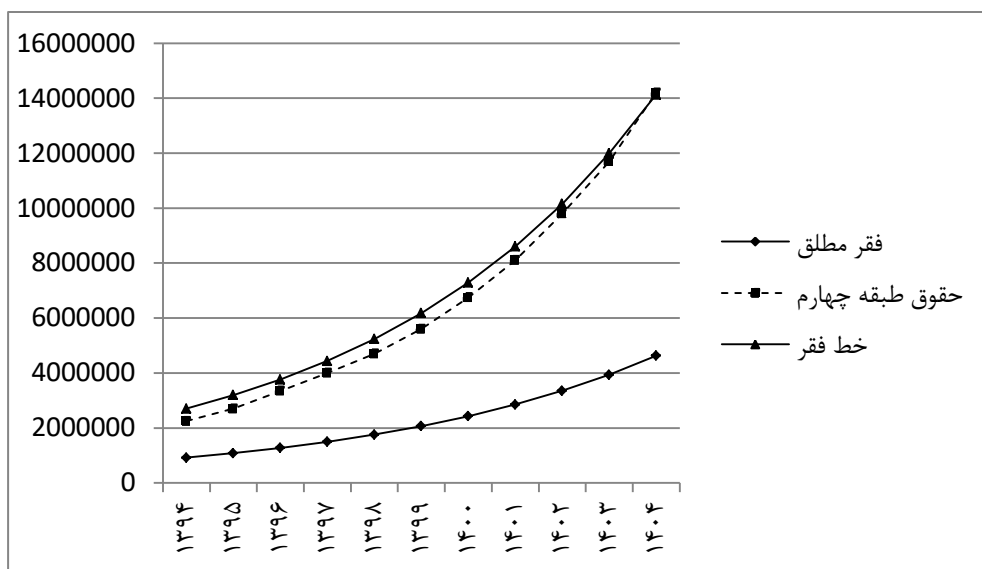
برآورد وضعیت در طبقه دوم حقوقی بازنشستگان نیروهای مسلح از وضعیت $\frac{۳}{۶}$ درصد طبقه اول مناسب‌تر برآورد می‌شود؛ اما همچنان نشان‌دهنده وضعیت نامناسب معیشتی حدود ۳۵ درصد جامعه بازنشستگان ن.م است که علی‌رغم بهتر بودن وضع آنها نسبت به خط کم‌توانی مطلق جامعه، هنوز تا خط کم‌توانی مالی معمول جامعه فاصله زیادی دارند و نامناسب‌تر از خط فقر معمول جامعه مجبور به گذران امور خود خواهند بود.



نمودار ۶: برآورد خط فقر یا کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه، سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه دوم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۳۵ درصد جامعه آماری می‌باشد

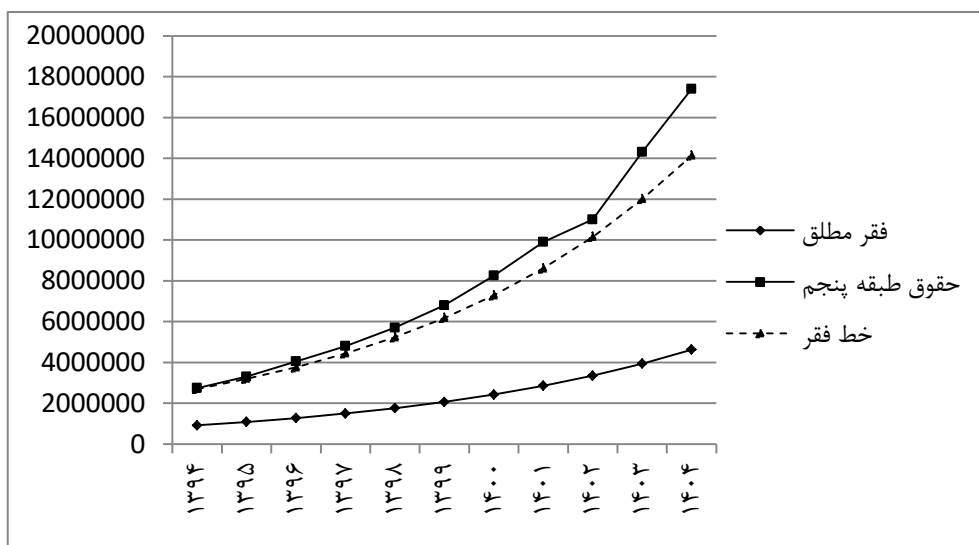


نمودار ۷: برآورد خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه سوم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۳۴ درصد جامعه آماری می‌باشد

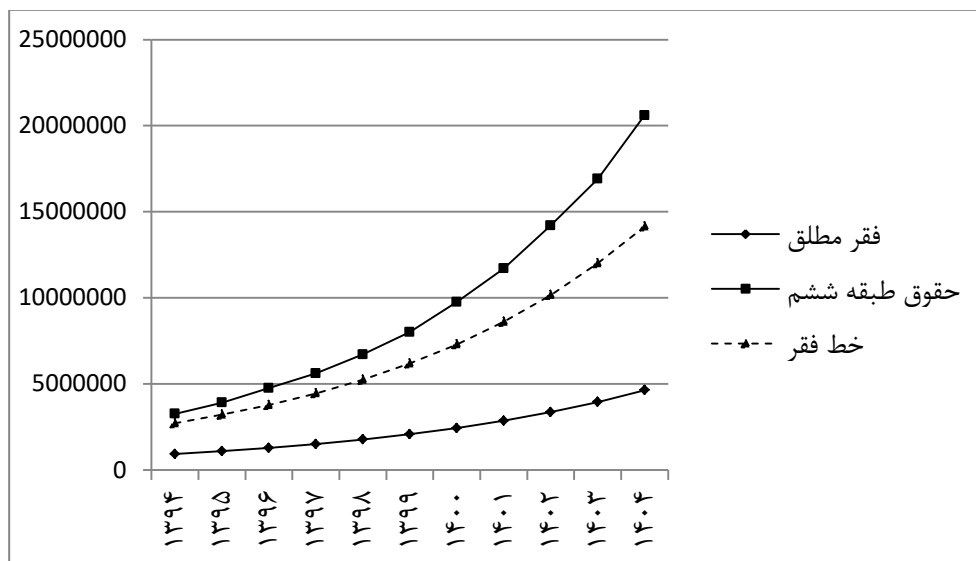


نمودار ۸: برآورد خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه چهارم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۱۸ درصد جامعه آماری می‌باشد

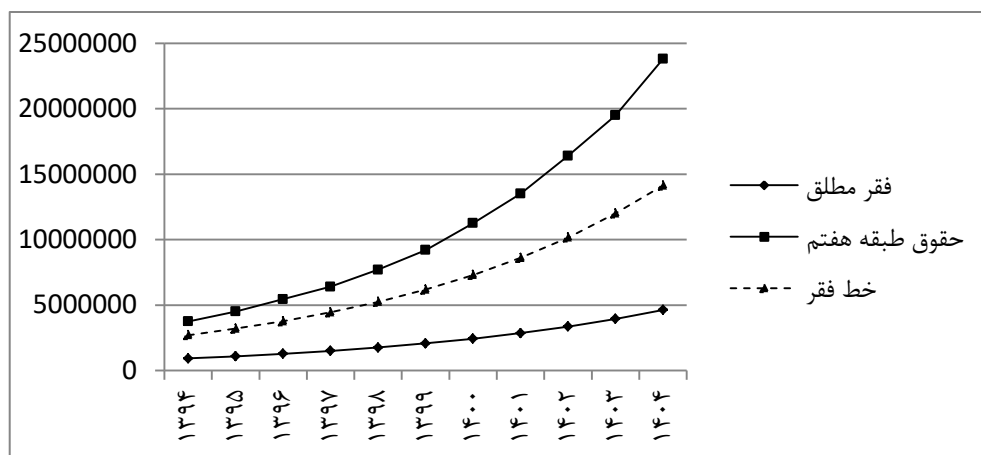
وضعیت معیشت بازنشستگان نیروهای مسلح در افق ۱۴۰۴ برای خانوارهایی که در طبقات حقوقی پنج، شش و هفت قرار دارند و در مجموع از نسبت جمعیتی حدود ۹ درصد برخوردار می‌باشند مناسب‌تر از حداقل‌های معیشت جامعه برآورد می‌گردد.



نمودار ۹ برآورد خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه پنجم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۵ درصد جامعه آماری می‌باشد



نمودار ۱۰: برآورد خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه ششم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۲٫۵ درصد جامعه آماری می‌باشد



نمودار ۱۱: برآورد خط کم‌توانی مالی و کم‌توانی مالی مطلق با نرخ‌های متغیر ماهانه سرانه برای مناطق شهری و روند حقوق طبقه هفتم بازنشستگان در سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۴ که معدل ۱/۲ درصد جامعه آماری می‌باشد

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های اخذ شده از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی خط کم‌توانی مالی به دو روش تعیین گردید. در مرحله بعد بر اساس نرخ رشد سالیانه تورم پیش‌بینی میزان رشد خط کم‌توانی مالی تا سال ۱۴۰۴ انجام گرفت. در ادامه با استفاده از داده‌های کاملاً دقیق که از سازمان بازنشستگی ن.م اخذ شد، وضعیت حقوقی بازنشستگان ن.م به هفت گروه تقسیم گردید و میزان رشد آن تا سال ۱۴۰۴ بر اساس همین آمار تخمین زده شد. در انتها مقایسه نموداری بین خط کم‌توانی مالی و وضعیت درآمدی بازنشستگان ن.م تا سال ۱۴۰۴ برای هر یک از گروه‌ها انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در صورت استمرار وضع موجود گروه‌های اول تا چهارم این بازنشستگان که حدود ۹۰ درصد بازنشستگان را تشکیل می‌دهند، همچنان زیر خط کم‌توانی مالی به سر خواهند برد.

ترکیب متفاوتی از جامعه تحت پوشش بازنشستگی، دچار سطوح مختلفی از کم‌توانی مالی خواهند بود. همان‌طور که از نتایج تحقیق برداشت می‌شود، حدود ۳/۵ درصد جامعه تحت پوشش دچار ضعف مفرط مالی خواهند بود که عناصر این قسمت از جامعه همان افراد طبقه اول حقوقی بازنشستگان می‌باشند. ۳۵ درصد جامعه که متشکل از مستمری‌بگیران طبقه دوم

جامعه بازنشستگان نیروهای مسلح می‌باشند. در عین کم‌توانی مالی وضعیت بهتری و با فاصله کمی نسبت به کم‌توان‌ترین افراد جامعه خواهند داشت و در عین حال وضع آنها از سایر افراد دارای کم‌توانی مالی در کشور مناسب‌تر نخواهد بود و فاصله زیادی نیز با اقشار حتی کم‌توان خواهند داشت. در همین حال برآوردها نشان می‌دهد که ۵۲ درصد جامعه بازنشستگان نیروهای مسلح که در طبقات سوم و چهارم حقوقی بازنشستگی قرار خواهند گرفت، از لحاظ وضعیت معیشت و زندگی فاصله زیادتری با کم‌توان‌ترین افراد کشور خواهند داشت و در عین پایین‌تر بودن وضعیت زندگی‌شان نسبت به کم‌توانان مالی جامعه، فاصله کمی را با این قشر از جامعه خواهند داشت.

همچنین برآوردها نشان می‌دهد که فقط طبقات پنج، ششم و هفتم حقوقی بازنشستگان که جمعاً فقط کمتر از ۹ درصد جامعه بازنشستگان را تشکیل خواهند داد، توانمندی مناسب مالی را برای تأمین هزینه‌های بالاتر از حد متوسط جامعه را کسب خواهند کرد.

لذا با این شیوه محاسبات و وضعیت تغییر قیمت‌ها و کاهش توان مالی بازنشستگان، نمی‌توان در آینده نزدیک وضعیت مساعدی را برای بازنشستگان نیروهای مسلح متصور شد. راهکارهای جدیدی باید برای پایان بخشیدن به این روند کاهنده توان مالی بازنشستگان مورد کنکاش قرار گیرد. از آنجایی که مطالعه حاضر فقط معطوف به برآورد وضعیت آتی معیشت بازنشستگان نیروهای مسلح می‌باشد، بحث ارائه راهکار برای خاتمه بخشیدن به روند فعلی از حیثه این مطالعه خارج می‌باشد. لذا به محققان گرامی توصیه می‌شود که تحقیقاتی را برای پیدا کردن راه‌هایی جهت توقف این روند در دستور کار قرار دهند.

فهرست منابع

- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر. مرکز آمار ایران، ص ۱۰۱
- ارشدی علی، و کریمی عبدالعلی، (۱۳۹۲). بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱(۱)، ۴۶-۹۳.
- افشاری زهرا، و دهمرده لعیا (۱۳۹۳). بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۲(۴)، ۳۱-۵۹.

باقری فریده، و کاوند حسین (۱۳۸۷). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۴). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۷(۲۸)، ۳۶-۴۸.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴). نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۳، شهریور ۱۳۹۴.

حسینی، نگار (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی تعیین خط فقر در ایران. روزنامه شرق، پنجشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۱، ص ۸.

خداداد کاشی، فرهاد و شمسی، سوده (۱۳۹۱). بررسی اثرات سیاست‌های حمایتی بر کاهش فقر در ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۹(۲)، ۱۵۳-۱۷۱.

زمان‌زاده حمید، و شاه‌مرادی اصغر (۱۳۹۰). برآورد خطوط فقر در ایران بر اساس بعد خانوار. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۶، ۱-۱۸.

مالکی، نادر. و ابونوری اسمعیل (۱۳۸۷). ارزیابی فقر در استان سمنان طی برنامه‌های پنج‌ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی (۱۳۶۸-۱۳۸۳). فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۶(۴۵)، ۲۱۵-۲۳۷.

محمودی، وحید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۴، ۲۷-۵۷.

هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۱۶۲-۲۰۳.

Kakwani, N., & Son, H. H. (2016). Global poverty estimates based on 2011 purchasing power parity: Where should the new poverty line be drawn? *The Journal of Economic Inequality*, 14(2), 173-184.

Paige A. A. (2003). Immune recognition of antigens expressed by equine ectopic trophoblast. *Conference Faseb Journal*, 17(7), C318-C318.

Ravallion, M., & Chen, S. (1996). *What can new survey data tell us about recent changes in distribution and poverty?* The World Bank Policy Research Department Poverty and Human Resources Division December, p 10.